در محضر امام خمینی (ره)

باید درد کوخ‌نشینان را درک کنم

مطابق معمول هر تابستان، گرمای نجف فوق‌العاده و طاقت‌فرسا و پنجره‌ها و کف کولر درونی منزل امام پوسیده بود. تلاش ما این بود که با مخلوط سیمان و گچ و شکر آن را تعمیر کنیم که تا حدودی موفق شدیم، اما این کولر با این وضع در مقابل آن گرمای توانسوز اصلاً کارآیی نداشـــت. فشار گرما و هجوم پشه‌ها در حدی بود که حضرت امام مجبور می‌شـــدند شبها چندین‌بار محل خواب خود را عوض کنند. با همهٔ اینها وقتی رفقا می‌گفتند: آقا برویم کوفه، هوای کوفه خیلی از نجف بهتر و خنک‌تر است، آقایان زیادی از مراجع و علما به آنجا می‌روند و... حضرت امام می‌گفتند: نه، من باید مشکل کوخ‌نشین‌ها را که از خود خانه و زندگی ندارند، یا بعضی را که الان در زندان هســـتند درک کنم، نه اینکه به فکر خودم باشم، باید به فکر همه باشم.

*** آقای غلامرضا طالبی- کتاب آینه حسن ص۱۲۲- خاطره ۱۷۰.**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

ارتباط شخص مبتلا به بیماری کرونا با دیگران

س) اگر شـــخصی به بیماری کرونا مبتلا شده یا برخی از علائم مشکوک به این بیماری را دارد، آیا جایز است با کسانی که از وضعیت او اطلاع ندارند رفت و آمد کند؟

ج) اگر احتمال عقلایی قابل توجه بدهد که موجب سرایت بیماری به دیگران شود، باید از این کار اجتناب کند.

تغییر و تبدیل در انجام دادن نذر

س) آیا در شرایط فعلی کرونا می‌توان به جای نذر هر ســـاله در ایام محرم، پول آن را محاســـبه و به موسسات خیریّه اهدا کرد؟

ج) اگر صیغه نذر را به نحو صحیح بر زبان جاری نکرده است، تغییر و تبدیل در انجام دادن آن مانعی ندارد.

روش آموزشی و پرورشی خدا

اصولا وقتی در فضای درس‌های اخلاق قرار می‌گیریم، همه تلاش اساتید اخلاق این اســـت که تعریف کاملی از فضایل یا رذایل اخلاقی بدهند؛ زیرا از نظر آنان شناخت این مفاهیم بسیار مهم و اساسی است. نگاه این دســـته از اخلاقیون، نگاه آموزشی و انتقال مفاهیم و آشنایی با آن است؛

اما خدا در قرآن در مقام رب‌العالمین نه دنبال‌تربیت اخلاقی است، نه دنبال آموزش اخلاقی اســـت؛ بلکه هدف خدا پرورش انســـان‌های اخلاقی است. از همین رو نه در مقام تربیت، بلکه در مقام پروردگاری می‌نشیند و در این مقام پرورش، به تزکیه نفوس می‌پردازد. لذاست که کمتر به‌صورت آموزشی مطالب را بیان می‌کند؛ زیرا تعلیم خدا، تعلیم علوم حصولی نیســـت، بلکه تعلیم علم حضوری است؛ زیرا خدا با قلب انســـان کار دارد و می‌خواهد انسان با حقیقتی روبه‌رو شود که دارایی او شود نه فقط دانایی او؛ چرا که علوم حضوری فراتر از دانایی، دارایی انســـان است. این دارایی اســـت که تزکیه می‌کند و نمو و رشد نفوس انسانی را به‌دنبال دارد.

از همین روســـت که تعلیم و تزکیه خدا به هم آمیخته است؛ اگر تعلیم می‌دهد در باطن آن تزکیه است؛ چرا که تعلیم الهی ناظر به علوم حضوری است که انسان دارای چیزی می‌شود که او را رشد و نمو می‌دهد و تزکیه می‌کند؛ چنانکه تزکیه الهی تنها به معنای رشـــد و نمو مادی نیست؛ بلکه همراه با دانایی به حقیقتی است که دارایی شخص می‌شود. بنابراین نباید پرسید چرا خدا گاه تزکیه را مقدم بر تعلیم می‌کند(بقره، آیه ۱۵۱) و گاه بر عکس.(آل‌عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲)

پس خدا استاد اخلاق به معنای عمومی آن نیست؛ بلکه استاد اخلاق به معنای پرورشی آن است که تعلیم و تزکیه او در مقام رب‌العالمین یا رب‌الانســـان، انسان را «دانا دارا» می‌سازد. براین اساس برخی مفسران نمی‌فهمند که چرا خدا به‌گونه‌ای در قرآن سخن می‌گوید که بیرون از قواعد ادبی است؛ مثلا می‌فرماید: لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ و. .....، نیکوکاری آن نیست که روی خود را به ســـوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن کسی اســـت که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوســـت داشـــتنش، به خویشـــاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کـــردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارانند و در ســـختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزکارانند. (بقره، آیه ۱۷۷)

تعلیم و تزکیه خدا به هم آمیخته اســـت؛ اگر تعلیم می‌دهـــد در باطن آن تزکیه اســـت؛ چرا که تعلیم الهی ناظر به علوم حضوری اســـت که انسان دارای چیزی می‌شـــود که او را رشد و نمو می‌دهد و تزکیه می‌کند؛ چنانکه تزکیه الهی تنها به معنای رشـــد و نمو مادی نیست؛ بلکه همراه با دانایی به حقیقتی اســـت که دارایی شخص می‌شـــود. بنابراین نباید پرسید چرا خدا گاه تزکیه را مقدم بر تعلیم می‌کند.

در این آیه خدا در مقام تعریف «برّ» و فضیلت انسانی نیکوکاری به جای آنکه فضیلت «برّ» را معرفی کند، به تعریف «بارّ» و انسان نیکوکار می‌پردازد؛ یعنی می‌گوید: نیکویی می‌دانید یعنی چه؟ یعنی نیکوکارانی این چنین باشید؛ زیرا هدف خدا تعریف از فضایل همچون روش مَدرسی نیست، بلکه هدف، پرورش نیکوکاران است.

به ســـخن دیگر، خدا در اینجا در پاســـخ به پرسش ماهیت «برّ» نمی‌گویـــد: «لکن البرّ برّ مَن آمن» یعنی نیکی همان نیکی اســـت که نیـــکان با این ایمان و... انجام می‌دهند، بلکه مســـتقیم می‌گوید برایم نیکان مهم است، نه اصل فضیلت نیکی.

در جایی دیگر نیز خدا وقتی می‌خواهد از عمل صالح تعریف کند، به صالحان می‌پردازد و می‌فرماید: إِلاّ مَنْ أَتَی اللهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ؛ مگر اینکه کسی با قلب سلیم نزد خدا آید.(شعراء، آیه ۸۹) یعنی خداً نمی‌خواهد بگوید عمل صالح خوب است، بلکه می‌گوید آدم صالح خوب است.

پس روش آموزشـــی و پرورشی خدا، همانند اساتید اخلاق نیست، بلکه در ســـاختار تعلیم و تزکیه رب‌العالمین انجام می‌شود که همان آموزش و پرورش تصرفی و تزکیه است.

یکـــی به طنز می‌گفت: اصلا هیچ چیز خدا به آدمی نرفته اســـت؛ زیرا روش‌های الهی با روش‌های پیش‌بینی شـــده و قواعد و سنت‌های معمول انســـانی نمی‌سازد. اگر مراد این باشد، این طنز نیست، و عین حقیقت استف لذا زمخشری ادیب، نمی‌تواند قرآن را تفسیر کند؛ زیرا حتی کلام خدا در ســـاختار قواعد ادبی قرار نمی‌گیرد که زمخشـــری می‌شناسد.(کشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۲۱۸)

مانور بزرگ اربعین نماد عالی‌ترین اخلاق انسانی

علی افتخاری

عواطـــف و صمیمیـــت ناشـــی از اخـــلا ق اســـلامی و عشـــق به امام حسین(ع) که الگوی اخلاق کریمانه است، در زائران اربعین موج می‌زند تنها انبوه جمعیت میلیونی شـــما را به حیرت وانمی‌دارد و آنچه در ایـــن راهپیمایی عظیم توجه و قلب‌هـــا را به خود جلب می‌کند و به این نمایش اضافه می‌کند صمیمیت وصف‌ناشدنی بین جمعیت است. این مراسم تنها یک مراسم ســـوگواری نیست، بلکه در این مراسم نشانه‌های مردانگی، از خودگذشتگی، مهر و عاطفه به اوج خود می‌رسد.

عالم و دانشـــمند فرهیخته شـــیخ طوسی می‌نویسد: «روز ۲۰ صفر(اربعیـــن) زمانی اســـت که حرم (اهل‌بیت) امام حســـین(ع) (کاروان اسراء) از شام به مدینه مراجعت کردند و روزی اســـت که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رســـول‌الله(ص) از مدینـــه به کربلا به قصـــد زیارت قبر امام حســـین(ع) آمد، او نخســـتین کســـی است که قبر امام حسین(ع) را زیارت کرده است.» آنگاه زیارت مخصوص اربعین را با ســـند از حضرت امام جعفـــر صادق(ع) نقل می‌کند، (شیخ طوســـی، مصباح المتهجد، ۱۴۱۱ بیروت، ص۷۸۸).

از امام حسن عسکری(ع) روایت شده: «عَلاماتُ المُؤمِنِ خَمسٌ، صَلَواتُ الاِحْدی وَ الخَمْســـینَ وَ زیارَةُ الاَرْبَعینَ...» نشـــانه‌های مومن پنج چیز اســـت ۱) اقامه پنجاه و یک رکعت نماز در شـــبانه‌روز(هفده رکعت نمازهای واجب و ســـی و چهار رکعت نافله) ۲) زیارت اربعین.۳) انگشتر به دست راست کردن ۴) پیشانی را به خاک گذاشتن هنگام ســـجده ۵) بسم الله الرحمن الرحیم را در نماز بلند گفتن (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج۶ ص۵۳).

آنچه اربعین را اهمیت فوق‌العاده می‌بخشـــد جهات دیگری اســـت کـــه در آن وجـــود دارد، اربعیـــن یادآور بزرگ‌ترین حماســـه بشری اســـت، اربعین تجسم عینی ارزش‌ها و نمود و نماد عالیترین اخلاق انســـانی اســـت، اربعین پیامی دارد که جامعه جهانی همیشـــه به آن نیاز دارد.

تقویت مکتب عاشورا در بستر فرهنگ‌سازی ائمه(ع)

برای حفظ و نگهداشـــت یک دستاورد بزرگ انسانی راهکارهـــا و مؤلفه‌هـــای زیادی وجـــود دارد که در میان آنها، فرهنگ‌ســـازی نسبت به آن بهترین و مقبول‌ترین و تأثیرگذارترین راهکار بشمار می‌آید. ائمه معصومین(ع) به روش‌های مختلف در زنده نگه داشتن مکتب عزت‌آفرین عاشـــورا از هر تلاشـــی دریغ نکردند، به‌طوری که حجم عظیمی از روایات ائمه طاهرین(ع) به مناقب و فضائل زیارت قبر امام حسین(ع) اختصاص داده شده است. تاکید فراوان امامان(ع) در این جهت، از عاشورا مشعل همیشه فروزانی ساخت که به عنوان بزرگ‌ترین راه هدایت و چتر مصونیت در برابر شرک و نفاق در آمده و برای همیشه تاریخ و برای تمام آدمیان الگو و چراغ هدایت است.

باورهایی درباره اعداد

در فرهنگ‌ها و آداب و رســـوم ملل، باورهای مختلف درباره برخی اعداد وجود داشته و دارد. در باور برخی ملل، عددی شـــوم و نحس و بعضی خوش یمن و مقدس است، چنانکه عدد (۱۲) در بین چینی‌ها، رومیان، ســـومری‌ها، عبری‌ها، مصری‌ها و... دارای رموز و قداست است.

محققان در یک نظرسنجی آنلاین از ۴۴ هزار نفر، عدد (۷) را از محبوب‌ترین عدد شناسایی کرده‌اند. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۶/۷) و از سوی دیگر در باور مردمانی عددهایی نحسند، مانند عدد (۱۳ و...).

عـــدد چهل نیز یکی از اعدادی اســـت که دارای رمز و رازهـــای فراوان بـــوده و در ادیان، مذاهب و در میان اقوام، فرهنگ‌هـــا و در حوزه‌های گوناگون اســـاطیری، آئین‌ها و باورهای عامیانه و عالمانه در طی تاریخ ملت‌های پیشـــین حائز بالاترین جایگاه بوده اســـت.واژه «اربعین» در متون دینی مسلمانان (قرآن، احادیث) جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. در قرآن مجید این عدد در چهار آیه (۱۵احقاف؛ ۲۶ مائده؛ ۵۱ بقره و ۱۴۲اعراف) ذکر شده است.

در احادیـــث و روایات این عدد کاربرد زیادی داشـــته و در موضوعات مختلف و به مناســـبت‌های زیادی به کار رفته است.

اربعین حسینی

اربعین حســـینی، به چهلمین روز بعد از شهادت امام حسین فرزند امام علی ابن ابی‌طالب(علیهماالسلام) گفته می‌شود، اربعین از قدیم‌الایام در تقویم مذهبی شیعیان از مقدس‌ترین و خاطره انگیزترین روزهای ایام سال ثبت و شناخته شده است.

رسالت عظیم پیام رسانی از حقایق عاشورا از زمان ورود اهل‌بیت امام حسین(ع) به کوفه توسط امام زین‌العابدین(ع) و زینب کبری(س) آغاز شـــد و در هر فرصت مناسبی یاد و خاطره جانسوز عاشورا را بازگو می‌کردند. امام سجاد(ع) در شهر شام، خودش را این چنین معرفی می‌کند: «اَنَا ابنُ مَن بَکَتْ عَلَیهِ مَلائِکَةُ السماء» (من فرزند کسی هستم که فرشتگان آسمان بر او گریستند) (بحارالانوارج۴۵/ص۱۷۴)

از سوی دیگر در طول تاریخ حکام مستبد و دشمنان آزادی و حریت، برای به فراموشـــی ســـپردن عاشـــورا و به خاموشی کشـــاندن مشـــعل پرفروغ آن از هیچ اقدام غیرانسانی فروگذار نکردند، قبر مطهر آن حضرت را تخریب و به آب بســـتند، راه زیارت آن حضرت را برای عاشقان و ارادتمندان مسدود کردند و...، لذا یکی از اقدامات مهم ائمه اطهار(ع) حفظ و تحکیم مکتب عاشـــورا بوده است تا نام امام حسین(ع) و فضائل زیارت او را در مقدس‌ترین روزهای سال و مناسبت‌های دینی زنده نگه دارند و دوستداران عزت و شـــرف را به زیارت آن حضرت ترغیب و تشویق کنند، به‌طوری که در روایات متعددی زیارت آن حضرت در ایامی همچون شب عرفه، اول ماه رجب، شب نیمه شعبان، شب قدر، شب عید فطر، شب عید قربان، شب عاشورا، روز اربعین و...، به عنوان امر مســـتحب مورد تاکید قرار گرفته است. (وسائل‌الشیعه، ج۱۴، صص ۴۴۲-۴۲۸).

محمـــد بن مســـلم راجع به فضیلت و ثـــواب زیارت امام حســـین(ع) روایتی از امام باقـــر(ع) نقل می‌کند که عقل‌ها از درک آن عاجز است: هر کسی از روی اشتیاق و علاقه، امام حسین(ع) را زیارت کند، خداوند برایش ثواب هزار حج قبول شده و هزار عمره پذیرفته شده و اجر هزار شـــهید مانند شهدای بدر و اجر هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه مقبول و هزار بنده در راه خدا آزاده شده را برای او می‌نویسد. (وسائل‌الشیعه ج۱۴ص۴۵۳).

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «شیعیان به زیارت امام حسین(ع) امر شده‌اند، زیرا زیارت آن امام سبب زیاد شـــدن روزی و طولانی شدن عمر و دفع سوء(بدی) می‌شود». (تهذیب الاحکام، ج۶، ص۴۲).

روایتی در فضیلت زیارت امام حسین(ع) از امام رضا(ع) نقل شده است که به اندازه کل عالم جاذبه و عظمت دارد: «مَنْ زارَ قَبرَ اباعَبدالله الحُسَـــین بِشَطِ الفراتِ کَمَن زارَ اللهَ فَوقَ عَرشِـــه»؛ هر کسی قبر اباعبدالله الحسین را در شط فرات (کربلا) زیارت کند مانند کســـی است که خدا را در بالای عرشش زیارت کرده اســـت. (تهذیب‌الاحکام، ج۶، ص۴۶). این روایـــت آنچنان بار معنایی عظیمی دارد که زائر حســـینی را به مبدأ اعلی پیوند می‌زند و آنچنان ژرف و درخشـــان اســـت که به اعماق جان و وجدان هر انسان سلیم‌الفطرة نفوذ می‌کند.

اربعین و تجلیل از عزت انسانی

اربعین گرامیداشـــت و پاسداشت مکتب عزت‌بخش عاشورا اســـت، در این تجلیل آدم‌های عاشق و قلب‌های شیفته، خود را به بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین روح و عالی‌ترین مکتب پیوند می‌دهند، عاشقان و دلدادگان حسینی آهنگ زندگی‌شـــان را با اهداف آن شهید همیشه جاوید ارتباط می‌دهند و با الهام از مکتب عاشـــورا درس زندگی شرافتمندانه را می‌آموزند و به حیات خود هویت می‌بخشند، شـــرکت در راهپیمایی عظیم اربعیـــن در واقع حضور در دانشگاه انسان‌سازی اســـت که آزادگی، عزت، فداکاری، احسان، و... از تعالیم عالیه آن است، شاگردان این دانشگاه آن تعالیم را به تمامی سرزمین‌ها و نسل‌ها منتقل می‌کنند.

حقائق معنوی اربعین بسی فراتر از جلوه‌های با شکوه ظاهری آن اســـت، شکل مناسبات و روابط عمیق معنوی بین زائران اربعین براساس فرمول‌های معمول دنیا در روابط بین‌الملل قابل ســـنجش و اندازه‌گیری نیست، این روابط بر محور مســـتحکمی استوار است و نظم اجتماعی آن بر مرکزیت عشق مشترک به امام حسین(ع) شکل می‌گیرد.

اربعین، نمایش اتحاد و همبستگی

اجتماع بزرگ اربعین مختص به شیعیان جهان نیست، بلکه یک همایش فرامذهبی و فرادینی است، این گردهمایی که هر ســـال در ۲۰ ماه صفر در کشور عراق برگزار می‌شود یک رویداد بی‌نظیر انسانی و منحصربه‌فرد در عصر حاضر است، میلیون‌ها انسان، فارغ از دین و مذهب و رنگ و قوم و ملیت از کشورهای مختلف دنیا بی‌سابقه‌ترین اجتماع را تشکیل می‌دهند، آنچنان همبستگی وصف‌ناپذیر برادرانه بینشان حاکم است که گویی یک روح در میلیون‌ها تنند، در چنین مشارکت انسانی اشعار سعدی شیرین‌سخن مصداق واقعی خود را پیدا می‌کند: «بنی آدم اعضای یکدیگرند * که در آفرینـــش ز یک گوهرند * چو عضوی به درد آورد روزگار* دیگر عضوها را نماند قرار» وحدت و انسجام زائران چنان به اوجش می‌رسد که هرگز نظیر آن را در این روزگار تهی از محبت نمی‌توان یافت، البته در دنیای پرآشوب عصر حاضر چنین راهپیمایی که تمام اصول و معیارهای ارزشی در آن به نمایش گذاشته می‌شود ریشه در بصیرت زائران دارد.

اربعین، کانون اخلاق اسلام واقعی

کشمکش‌های سیاسی، نابرابری‌های اقتصادی، وجود فحشـــاء و فســـاد اخلاقی در طی قرون اخیر خصوصا در دهه‌های گذ شـــته و زمان حاضر ســـتون‌های معنویت و اخلاق انسانی را فرو ریخته است، این روند اسفبار رفته‌رفته در اقصی نقاط جهان به صورت آشـــکار و عریان وخامت اوضاع جامعه انســـانی را به دردناک‌ترین مرحله کشانده اســـت، تقدس و حرمـــت زندگی آدمیـــان را از بین برده است، پیدایش وگســـترش گروهای تروریستی و حمایت از آنان نیز ریشـــه در رعایت نکردن اخلاق و عدم مراعات اصول انسانیت دارد، عامل اصلی سبعیت در زندگی که به صورت تهدید خطرناکی درعصر ما در آمده ضعف و نبود اخلاق اســـت. تعهد و ملتزم شـــدن به الزامات اخلاقی از گرانبهاترین دارایی بشر به حساب می‌آید، اگر ارزش‌های اخلاقی، آدمیان را هدایت کند، همه ظرفیت‌ها و تهدیدها به فرصت‌هایی در جهت نشاط زندگی تبدیل می‌گردد و باعث می‌شود همه افراد جامعه انسانی موهبت‌ها و استعدادهای درونی‌شـــان را متجلی ســـازند و از این طریق اســـت که جامعه شکوفا می‌شود و صمیمیت و روحیه ایثار به وجود می‌آید.

عواطف و صمیمیت ناشـــی از اخلا ق اسلامی و عشق به امام حســـین(ع) که الگوی اخلاق کریمانه اســـت، در زائران اربعین موج می‌زند تنها انبوه جمعیت میلیونی شما را به حیرت وانمـــی‌دارد و آنچه در این راهپیمایی عظیم توجه و قلب‌هـــا را به خود جلب می‌کند و به این نمایش اضافه می‌کند صمیمیت وصف‌ناشدنی بین جمعیت است، این مراسم تنها یک مراسم سوگواری نیست، بلکه در این مراسم نشانه‌های مردانگی، از خودگذشتگی مهر و عاطفه به اوج خود می‌رسد و این تجلیاتند که جاودانگی و استمرار اربعین حســـینی را در عرصه برتر از امروز برای همیشـــه تضمین می‌کند، در مانور بزرگ اربعین هر کســـی ملک و اموال خـــودش را صادقانه و بی‌ریا در اختیار دیگران قرار می‌دهد و در ارائه خدمت‌رسانی به دیگران در یک رقابت سالم پیشی می‌گیرد.

اربعین، بزرگ‌ترین تجمع انسانی در جهان

گردهمایی عاشـــقانه و حماسی بی‌نظیر اربعین در تاریخ بشر بی‌سابقه است، این حضور گسترده و چشمگیر و جلوه‌هـــای آن کم‌کم توجه جهانیان را به خود جلب کرده اســـت. در روزنامه انگلسی «ایندیپندنت» مورخ نوامبر۲۰۱۷ میلادی آمده اســـت: «اربعین امام حسین بزرگ‌ترین تجمع بشری در جهان است، اربعین به خاطر ســـه نماد بزرگ، از عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین مجمع انسانی بشمار می‌آید ۱) بزرگ‌ترین گروه‌های داوطلب و مردمی در دنیا در آن حضور دارند ۲) بزرگ‌ترین سفره گسترده و رایگان، که باید در کتاب رکوردها «گینس» به ثبت برسد ۳) آنچه در این راهپیمایی جریان دارد نماد اخلاق عالی انسانی و جلوه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز جوامع بشری و کشتن خودخواهی‌ها و تلاش برای یاری ســـتم‌دیدگان است و این همان دین محمد(ص) است که گروه تروریســـتی داعشی به مخالفت با آن پرداخته است».

نشـــریه آمریکایی «هافینگتن پست» در گزارشی از راهپیمایی اربعین می‌نویســـد: درطول راهپیمایی اربعین حســـینی می‌توان تجسم عینی ارزش‌هایی چون صبر، خویشتنداری، فداکاری، ازخودگذشتگی، بخشش و اخوت و برادری را مشـــاهده کرد و قهرمانان واقعی آن، افرادی هســـتند که ترســـیم‌کننده و به وجودآورنده بزرگ‌ترین حماسه بشری هســـتند، نه قهرمانان پوشالی و واهی که هالیوود در اســـتودیوهای خود خلق می‌کند، اگر حقیقتا می‌خواهید با اســـلام واقعی آشنا شوید شما را به زیارت اربعین دعوت می‌کنم و اگر می‌خواهید با اصول اعتقادی داعش آشنا شـــوید دشمنان آنان (کسانی که در اربعین حضـــور دارند) را بشناســـید.» (به نقل از روزنامه شـــرق ۲۷ آبان۱۳۹۵).

نشریه آمریکایی «هافینگتن پست» در گزارشی از راهپیمایی اربعین می‌نویســـد: درطول راهپیمایی اربعین حسینی می‌توان تجسم عینی ارزش‌هایی چون صبر، خویشتنداری، فداکاری، ازخودگذشتگی، بخشش و اخوت و برادری را مشاهده کرد و قهرمانان واقعی آن، افرادی هستند که ترسیم‌کننده و به وجودآورنده بزرگ‌ترین حماسه بشری هستند، نه قهرمانان پوشالی و واهی که هالیوود در استودیوهای خود خلق می‌کند اگر حقیقتا می‌خواهید با اسلام واقعی آشـــنا شوید شما را به زیارت اربعین دعوت می‌کنم و اگر می‌خواهید با اصول اعتقادی داعش آشـــنا شـــوید دشمنان آنان (کسانی که در اربعین حضور دارند) را بشناسید.

الهام‌بخشی کاروان اربعین به ملت‌های جهان

در شـــرایط دشـــوار کنونی جهان که مردم نگران صلح و امنیت هســـتند و در شـــرایطی که شمشـــیرهای آخته تروریســـت‌ها و زورگویان برفراز مردم بیچـــاره و بی‌گناه و هراسان دنیا بلند است، در موقعیتی که توسعه آلات و ادوات جنگی ویرانگر که سیاره ما را به نابودی آنی تهدید می‌کند و در شرایطی که مردمان جنگ‌زده از ترس گروه‌های تروریستی و به امید رســـیدن به آرامش و آســـایش، به مهاجرت‌های طاقت‌فرســـا و دوری از وطن دست می‌زنند و خانه و کاشانه خود را ترک می‌کنند و ده‌ها رنج‌های تمام‌ناشدنی دیگر، گام آغازین در رفع این مشکلات با الهام از پدیده اربعین، تحقق همکاری صادقانه و صمیمانه ملت‌های دنیا در جهت برقراری صلح و امنیت وکاهش نابرابری‌های اقتصادی و ایجاد تغییر محسوس در الگوی زندگی و تنش‌زدایی از جهان است، گام دیگر این است که جهانیان باید به کاروان اربعین بپیوندند، منظور از پیوســـتن، الگوگیری از روح و معنویت موجود در آن و بهره‌گیری از همزیستی مسالمت‌آمیز و از اخلاق عالی انســـانی حاکم در آن است. راه پیوســـتن در مرحله اول از طریق رسانه‌ها به خوبی امکان‌پذیر است، باید نفرت و کینه و اعمال خشـــونت‌آمیز و شرارت‌های خود را در پرتو الهام از مکتب امام حسین(ع) به محبت تبدیل کنیم و مسئولیت‌های عظیم انســـانی خودمان را به بهتریـــن وجه انجام بدهیم و امنیـــت و صلح را برای کل انســـان‌ها به ارمغان بیاوریم. در کنار تمامی الهام‌بخشی‌های کاروان اربعین، آموزه نهایی این است که هیچ‌گاه در برابر زورگویان و ظالمان حاکم بر جهان ســـر تعظیم فرود نیاوریم و با وحدت و همدلی و استفاده از تمامی ظرفیت‌های جهان اسلام و انسانیت در مقابل مظالم مستکبران جهان با راهبرد مقاومت و ایستادگی اقدام کنیم.

کـــامل‌ترین جلـــوه خلـــوص

انســـان باید خالص باشد و با اخلاص در هر کاری وارد و خارج شود؛ یعنی همواره خلوص در دل او باشـــد و هرگز بی‌خلوص نباشـــد؛ از آغاز تا انجام، چه آغاز و انجام کاری یا آغاز و انجام زندگی در دنیا.

البته برخی از انســـان‌ها با تلاشـــی که دارند، به عنوان مُخلصون- به کسر لام- شناخته می‌شوند؛ اما برخی دیگر، به سبب عنایتی که خدا به آنان دارد، مُخلَصین- به فتح لام- می‌شوند، یعنی کسی که خدا او را خالص ساخته است.

از نظر قـــرآن، مُخلَصین را خدا برای خودش خالص گردانیده تا جایی که هیچ چیز جز خدا در دل آنان نیست و هیچ محبتی به دنیا و مافیها ندارند.

این افراد خالص شـــده از ســـوی خدا بهره‌مند از یک جایزه و عنایت ویژه الهی نیز می‌شـــوند که همان «ذکری الدار » است؛ خدا دراین باره می فرماید: إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِکْرَی الدَّارِ؛ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَیْنَ الأَخْیَارِ؛ ما آنان را بـــا موهبت ویژه‌ای که یادآوری آن ســـرای(آخرت) بود خالص گردانیدیم و آنان در پیشگاه ما یقینا از برگزیدگان و نیکان هستند. (ص، آیات ۴۶ و ۴۷)

از این آیه به دست می‌آید که مخلصان به امری چون «ذِکْرَی الدَّارِ» اخلاص داده شـــدند؛ یعنی همواره در اندیشه آخرت هستند و اصلا توجهی به دنیا به عنوان هدف غایی خویش ندارند؛ چرا که «دار الدنیا» را مســـافرخانه دانسته و به جای دل بســـتن به آن، به ســـوی سرای واقعی و حقیقی خویش در آخرت توجه دارند. از نظر آنان گرایش اندک به دنیا خود خطیئه اســـت که خدا باید از آن بگذرد و آنان را بیامرزد؛ چرا که هر گونه دل‌مشـــغولی به دنیا به معنای از دســـت رفتن «ذِکْرَی الدَّارِ» اســـت که آنان دوست ندارند به چنین خطیئه و گناهی دچار شـــوند؛ چنانکه حضرت ابراهیم به عنوان یکی از مصادیق آیات ســـوره ص می‌فرماید: وَالَّذِی أَطْمَعُ أَن یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ؛ و همان خدایی که چشم امید دارم که روز جزا گناهم را بیامرزد.(شعراء، آیه ۸۲) زیرا گفته‌اند: حســـنات الأبرار سیّئات المقرّبین.(بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۵) پس با آنکه مُخلَصین هیچ گناه و خطایی ندارند، ولی اشـــتغال به مباحات برایشان همانند اشتغال به مکروهات است و از آن نیز توبه می‌کنند و استغفار می‌جویند.

چراغ راه

همگامی علم و عمل و بقای علم

قال الامام علی(ع): العلم مقرون بالعمل، فمن علم عمل، و العلم یهتف بالعمل، فان اجابه، والا ارتحل عنه».

امام علی(ع) فرمود: علم با عمل همراه است و هر کس (به راستی) عالم باشد عمل می‌کند علم عمل را فرا می‌خواند، اگر اجابت کرد (و بـــدان عمل کرد می‌ماند) در غیر این صورت کوچ می‌کند (و ماندگار نمی‌ماند)[1]

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۳۶۶

حکایت خوبان

آزمون شیعه‌شناسی

امام صادق(ع) فرمودند: شیعیان ما را در سه مورد آزمایش کنید:

۱- موقع نماز که چگونه آن را مراعات می‌کنند.

۲- اسرار یکدیگر را چگونه نگهداری می‌کنند.

۳- نســـبت به اموال و ثروت‌شان که چگونه به دیگران رسیدگی می‌کنند.[1]

همچنین آن حضرت می‌فرماید: به شیعیان ما بگویید: با خودداری از گناه و انجام کارهای خوب، دعوتگر دیگران به سوی ما باشند، زیرا اگر شیعیان ما چنین بودند مردم خودشان به سوی ما می‌شتافتند.[2]

۱- وسایل‌الشیعه، ج۴، ص۱۱۲

۲- مستدرک‌الوسایل، ج۱۲، ص۲۰۶

پرسش و پاسخ

آثار همگامی کار و دانش

پرسش:

کار و دانش از منظر آموزه‌های وحیانی اگر با یکدیگر توآمان گردند چه آثار و برکاتی از خود به جای خواهند گذاشت؟

لزوم افزایش معلومات

قرآن کریم یـــک روش عام دارد و مخاطب عام خود را با کلمه «یا ایهاالنـــاس!» به معنای ای مردم! خطاب می‌کند و گاهی هم یک روش خاصی دارد که وقتی می‌خواهد مطلب مهمی را به عموم مردم بگوید، شخص رسول اکرم(ص) را به عنوان سخنگو و سخن‌شنوی امت انتخاب می‌کند و او را مخاطب قرار می‌دهد. البته این قاعده کلی نیســـت بلکه قرآن عنایت دارد که مستقیما با خود مردم سخن بگوید و عموم آنها را مورد خطاب قرار دهد. معمولا خطابهای خاص در جایی است که توهم این می‌رود که استثنایی در کار است، ولی وقتی که شخص اول اسلام مخاطـــب قرار گرفت به طور طبیعی دیگر احتمال تبعیض و اســـتثناء نمی‌رود. از جمله این موارد که پیامبراکرم(ص) مورد خطاب قرار گرفته آیه شـــریفه ۱۱۴ سوره طه است که می‌فرماید: «و قل رب زدنی علما» ای پیامبر! بگو: پروردگارا بر علم و دانش من بیفزا!!

پس وقتی رســـول اکرم(ص) که با عالم وحی و الهام سروکار دارد و موظف است از خداوند افزایش معلومات خود را بخواهد، به طریق اولی حال دیگران معلوم اســـت و همه امت اسلامی که به تعلیمات او گردن نهاده‌اند باید با او هم آواز و هماهنگ شـــوند و بگویند! خدایا بر علم و دانـــش ما بیفزا! یعنی این دعا را باید از خدا طلب کنیم و به دنبال آن جست‌وجوگر و دانشجوی علم باشیم. همان‌گونه که پیامبر(ص) فرمود: «اطلبوا العلم و لو باصین» علم را جســـتجو کنید ولو آنکه لازم باشد تا چین بروید(وسائل الشیعه، ج ۲۷،ص ۲۷)

ارزش عمل به علم است

در آثار دینی ما مکرر به این نکته اشاره شده که این علم است که به عمل ارزش می‌دهد و آن را بالا می‌برد و مقبول درگاه الهی قرار می‌دهد. اثر و ارزش یک کاری که با نیروی علم و معرفت صورت گیرد، صدها برابر کاری است که جاهلانه صورت گیرد، علم افزایش دهنده اثر و ارزش کار است. روی همین اصل است که در اسلام دو چیز محترم است: ۱- کار ۲- دانش و دو چیز مردود است:۱- بیکاری و تنبلی ۲- جهل و نادانی

لزوم توأمان بودن علم با عمل

ایـــن دو اصل مقدس یعنی کار و دانش برای بشـــر زمانی کاربرد و استفاده حداکثری دارند که به صورت دو بال معاون یکدیگر و کمک کار یکدیگر بوده باشند. تعاون و همکاری اصل مقدس در اسلام است ولی هیچ همکاری و هماهنگی و همگامی مقدس‌تر و پرارزشتر از همکاری و همگامی کار و دانش نیست یعنی کارگر دانشمند و مطلع و عالم باشد و عالم هم اهل عمل و کار و فعالیت باشد. یکی از خدمات بزرگی که اسلام به بشریت کرد، این بود که کار را عبادت و وظیفه همگانی، و دانش را فریضه‌ای واجب و حق همگانی دانســـت. جدایی بین علم و عمل ظلم بزرگی به ملت‌ها است، که آنها را از پیشرفت و توسعه و تکامل باز می‌دارد!

پیشرفت و توسعه در گرو همگامی علم با عمل است

کشورهای پیشرفته و توسعه یافته یکی از مهمترین شاخصه‌هایشان همگامی و توامان بودن علم با کار و فعالیت اســـت. آنها هیچ عملی را بـــدون دانش کاربردی و مناســـب آن انجام نمی‌دهند به همین جهت دانشـــگاه‌های علمی و کاربردی را طراحی کرده‌انـــد که برای تمامی فعالیت‌ها و کارهای مورد نیاز جامعه علوم مربوط و متناسب لازم است که باید در دانشگاه‌های مربوط تحصیل گردد. برعکس کشورهایی که